

پس از برگزاری دو مرحله انتخابات پارلمانی و اعلام نتیجه آن، دو مخالف عسگر آقایی، یعنی کولوف وزیر پیشین امنیت قرقیزستان از اهالی شمالی به همراه باقی‌مانده برکنار شده پارلمان از اهالی جنوب با یکدیگر متحد گردیدند. با پیوستن خانم آتونبا یا نامزد رد صلاحیت شده انتخابات پارلمانی به صفوف مخالفان آقایی، شرایط برای انقلاب مخملی در این کشور فراهم گردید.

در چنین شرایطی جنبش مقاومت جوانان کلکل عهده‌دار آغاز انقلاب رنگی یا انقلاب گلی در این کشور شدند. در مناطق جنوبی قرقیزستان، معترضان سازماندهی شده تحت حمایت آمریکا، با تجمع در میدان اصلی شهر اوش، فرودگاه و اماکن دولتی را به محاصره خود در آوردند.

دامنه اعتراضات توسط جنبش مذکور به سرعت به تمامی مناطق قرقیزستان سرایت نمود و در نتیجه مخالفان عسگر آقایی اماکن دولتی و دفتر ریاست جمهوری را در بیشکک به تصرف خود در آوردند و خواستار کناره‌گیری وی شدند. با متواری شدن آقایی جابجایی قدرت در این کشور با حمایت و ساماندهی آمریکا صورت پذیرفت. عسگر آقایی پس از فرار از کشور، استنف یانگ - سفیر آمریکا در قرقیزستان - را عامل اصلی این انقلاب معرفی کرد. وی اظهار داشت: "یک هفته قبل از وقوع این حوادث در شبکه جهانی اینترنت، نقشه این انقلاب منتشر شده بود. این نقشه را استنف یانگ تدوین کرده است و این انقلاب دقیقاً همانند نقشه صورت گرفت."

در وقوع انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان نقش بنیاد سوروس و اعطای کمک‌های مالی کاخ سفید به مخالفان دولت بسیار تعیین‌کننده بود.

حکایت بدفرجام: انقلاب مخملین در ایران!؟

ایجاد انقلاب رنگی در کشور ما بخشی از پازل راهبردی آمریکا برای تغییر ساختار جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون به دفعات طراحی شده؛ اما در هر نوبت با شکست مواجه گردیده است.

* پیشینه انقلاب مخملی در ایران به سال ۱۳۷۸ و حادثه کوی دانشگاه باز می‌گردد. در روزهای آغازین سال ۱۳۷۸ نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، خواستار اجرای فوری پروژه "انفجار از درون" ساختار حکومتی ایران شد و تأکید کرد: "باید با ایران کاری کرد تا همان اتفاقی که در شوروی سابق صورت گرفت، پیش آید و آن هم انفجار از درون است." در همین راستا یکی از تجدیدنظرطلبان طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه راه نو تصریح کرد:

"انقلاب اسلامی متأثر از الگوی حکومت شوروی سابق است و سرانجام آنها نیز یکسان است."

در حادثه کوی دانشگاه با القای خبر کذب مبنی بر کشته شدن پنج دانشجو در جریان درگیری با نیروی انتظامی از سوی خانم "ص - و" و تشدید این فضا توسط نشریات زنجیره‌ای، هیجان‌گرایی و برانگیختگی در فضای سیاسی جامعه شکل گرفت. در این هنگام تجدیدنظرطلبان سعی داشتند با گسیل داشتن دانشجویان به سوی بیست رهبری، به زعم خود، پروژه انقلاب مخملی و نافرمانی مدنی را کلید بزنند که با حضور میلیونی مردم در صحنه دفاع از انقلاب و رهبری این توطئه خنثی شد و عقیم ماند.

* القای انسداد سیاسی در کشور (۱۳۷۹) و تئوریزه کردن مقاومت مدنی (نافرمانی مدنی) از سوی مسافرین کنفرانس ننگین برلین، مرحله دیگری از ساماندهی انقلاب مخملین در ایران بود. در همین رابطه اکبر گنجی در گفت و گویی با نشریه کریستین ساینس مانیاتور تصریح کرد: «امیدوارم که مدل انقلاب بدون خون‌ریزی چکسلواکی، در ایران انجام گیرد. ما قدم به مرحله‌ای از دموکراسی می‌گذاریم که هزینه‌ای دارد، برای رسیدن به هر چیز باید بهای آن را داد.» سرانجام این مرحله منجر به ایجاد اغتشاش و آشوب در جریان نشست دفتر تحکیم وحدت در شهر خرم‌آباد گردید.

* در سال ۱۳۸۰ شبکه‌های ماهواره‌ای ضد انقلاب، جوانان را به نافرمانی مدنی فراخواندند. بی‌اعتنایی مردم به‌ویژه جوانان به فراخوان ضدانقلاب، آنان را دچار سرخوردگی کرد. در این مرحله نیز دشمنان جمهوری اسلامی ایران، انقلاب مخملین را به نظاره نشسته بودند که همانند مراحل قبلی با ناکامی مواجه شدند.

* پروژه قرقیزستانیزه کردن انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳، برنامه دیگری از مجموعه اقدامات تجدیدنظرطلبان برای ایجاد گسست در ساختار سیاسی و برهم زدن انسجام اجتماعی بود. این پروژه با استعفای برخی از نمایندگان رد صلاحیت شده مجلس ششم و برخی دیگر از مدیران دولتی آغاز شد؛ تحصن نمایندگان مجلس ششم نیز ادامه همین طرح بود. بی‌اعتنایی جامعه به تجدیدنظرطلبان و ناآگاهی افراطیون از ظرفیت اجتماعی خود و از همه مهمتر قاطعیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، این پروژه را نیز با شکست مواجه کرد.

* ساماندهی انقلاب مخملی در ایران به‌وسیله بنیاد سوروس با واسطه افرادی همچون: هاله اسفندیاری، کیان تاج‌بخش و رامین جهان‌بگلو از دیگر برنامه‌های براندازی نرم در ایران بوده است. براساس اعترافات هاله اسفندیاری، بنیاد سوروس با حمایت از برنامه‌های خاورمیانه‌ای مرکز آمریکایی "ولسون"، به‌دنبال ایجاد یک شبکه غیررسمی در ایران جهت عملی نمودن اهداف براندازی نرم بوده است. در این راستا کیان تاج‌بخش (مدیر و نماینده بنیاد سوروس در ایران) سعی داشته است تا با اقداماتی همچون راه‌اندازی کارگاه‌های مطالعاتی متشکل از جوانان و دانشجویان و تدریس اصول و مبانی شبکه‌سازی اجتماعی زیرساخت‌های براندازی نرم در ایران را فراهم سازد.

طراحی و اجرای پروژه جدید

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم و سکولاریسم با پشتیبانی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، در حال طراحی و اجرایی کردن پروژه‌ی دیگری از سلسله پروژه‌های انقلاب رنگی در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌باشند. این پروژه که گرجستانیزه نمودن و اوکراینیزه کردن انتخاب می‌باشد از مدت‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته است.

پروژه جدید در سه فاز طراحی شده است:

- ۱- جنبی
- ۲- مقدماتی
- ۳- تکمیلی

۱- فاز جنبی

این فاز در درون خود سه مرحله را شامل می‌شود که هدف از اجرای آن زمینه‌سازی برای دو قطبی کردن جامعه به "افراط" و "اعتدال" بوده است. مراحل سه گانه این فاز عبارت است از:

- ۱- ایجاد کارشکنی در عرصه‌های مختلف برای ناکارآمد جلوه دادن مسئولان معتقد به گفتمان انقلاب
- ۲- اعلام خطر و بحرانی خواندن اوضاع کشور و غیرعادی جلوه‌دادن آن
- ۳- تلاش برای بی‌اعتماد کردن مردم و ناامید ساختن ایشان از اوضاع فعلی و گره زدن امید مردم به جریان مخالف نظام و مدعی نجات

۲- فاز مقدماتی

این مرحله با ملاقات‌های پنهانی بعضی از مجریان پروژه جدید با واسطه‌های امنیتی و سیاسی آمریکا در "دوبی" به فاز اجرا منتقل گردید و متعاقب آن، بنیاد سوروس (طراح پروژه‌های انقلاب رنگی) در سال ۱۳۸۶ عده‌ای از فعالین سیاسی و مطبوعاتی از جمله "م - ع" را به آمریکا دعوت کرد. مراحل این فاز را به شرح زیر می‌توان شمارش کرد:

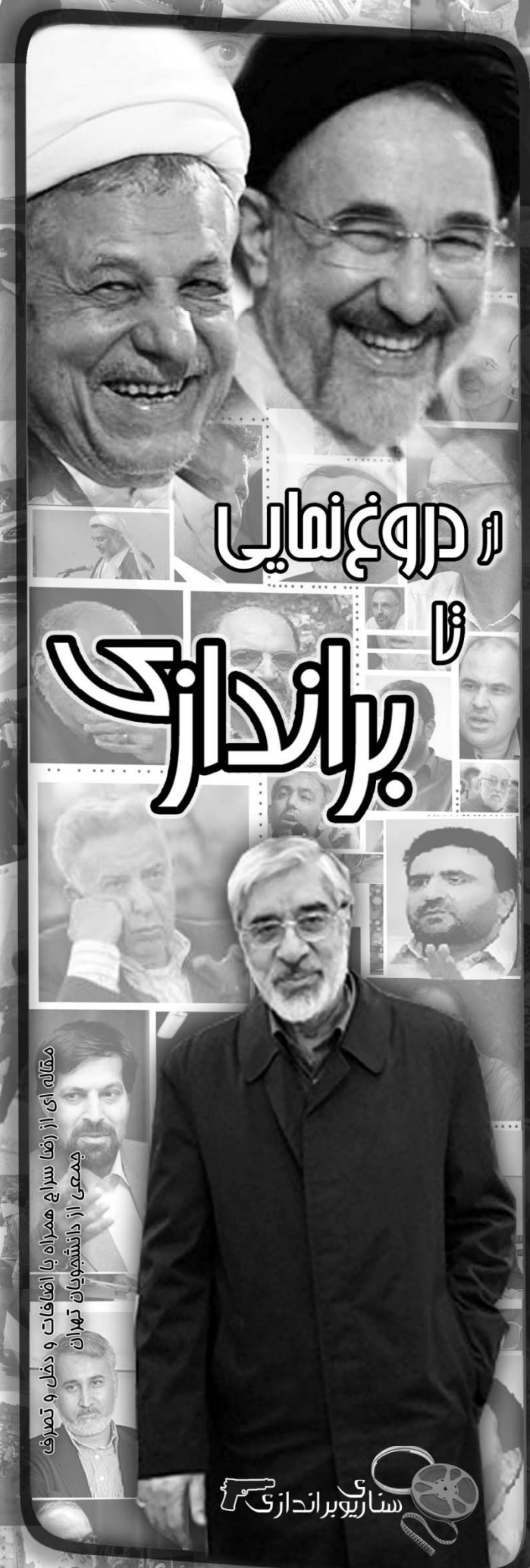
- ۱- درخواست از برخی کشورهای اروپایی جهت ترغیب آمریکا و صدور قطع‌نامه‌ی سوم در آستانه انتخابات مجلس هشتم.
- ۲- دو قطبی کردن جامعه به اعتدال و افراط، در انتخاب هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی.
- ۳- ورود در حاکمیت و ساماندهی جریان مشابه با جریان ۱۴ مارس در لبنان برای ایجاد تعارض و دوگانگی در حاکمیت.

۳- فاز تکمیلی

پساده‌سازی فرآیندهای انقلاب رنگی در گرجستان و اوکراین فاز تکمیلی پروژه جدید می‌باشد. شواهد و قرائن نشان می‌دهد این فاز نیز به مرحله اجرا منتقل گردیده است. ۱- تشکیک در سلامت انتخابات و القای تقلب در آن پیش از انتخابات ۲- توهین و تخریب ناجوانمردانه علیه دولت نهم و شخص ریاست جمهوری ۳- اعلام پیروزی در انتخابات پیش از آغاز آن ۴- زمینه‌سازی برای اعتراض به نتیجه انتخابات ۵- هم‌جهت شدن برخی از کاندیداها با نیروهای معاند و مخالف نظام ۶- هزینه‌های هنگفت تبلیغاتی آن هم برای دروغ‌نمایی علیه دولت ۷- به بازی گرفتن رنگ سبز ۸- راه‌اندازی تبلیغات خیابانی پرچنگال و پرتنش برای زمینه‌سازی آشوب‌های خیابانی ۹- جعلی و دروغ خواندن نتیجه انتخابات ۱۰- دادن آمارهای دروغ و ساختگی درباره نتیجه آرا ۱۱- فریب دادن و همراه ساختن برخی از دانشجویان و جوانان با عاملان اصلی و اجیرکردگان در آشوب‌های خیابانی و ... از جمله مراحل این فاز است.

در پایان همه شما را دعوت می‌کنیم به تأمل در رفتار و گفتار و داعیه‌های قبل و بعد از رأی‌گیری آقای میرحسین موسوی و اظهارات حامیان و هادیان ایشان از هاشمی رفسنجانی گرفته تا خاتمی و بهزاد نبوی و تاج‌زاده و ... تا ببینید که ایشان با داعیه‌ی انقلاب و امام و رهبری و خدمت و عزت با چه کسانی روی هم ریخته‌اند و چه می‌کنند و کجا را نشانه گرفته‌اند و به کجا می‌روند!!!

و من ... التوفیق



مقاله‌ای از رضا سراج همراه با مصاحفات و تصویف جمع‌ی از دانشجویان تهران